

به نام خداوند جان و خرد

سخنهای سخن

(۱۰ نقد بر ۱۰ کتاب)

نویسنده و منتقد

نادره بدیعی

سرشناسه : بدیعی، نادره، ۱۳۲۹ -
 عنوان و نام پدیدآور : سنجه‌های سخن: (۱۰ نقد بر ۱۰ کتاب) / نویسنده و منتقد نادره بدیعی.
 مشخصات نشر : تهران: آرنا، ۱۳۹۲.
 مشخصات ظاهری : ۱۸۰ ص.
 شابک : ۹۷۸-۶۰۰-۷۰۲۶-۹۲-۲ :
 وضعیت فهرست : فیفا
 نویسی :
 موضوع : کتاب‌های نقدشده
 موضوع : ادبیات فارسی -- کتاب‌های نقد شده
 رده بندی کنگره : Z۳۶۹۲۳۹۲ ۴ب۲۳۳ /
 رده بندی دیویی : ۱۰۹۵۵/۰۲۸۱ :
 شماره کتابشناسی ملی : ۲۲۶۴۵۹۸



نشر آرنا

عنوان : سنجه‌های سخن (۱۰ نقد بر ۱۰ کتاب)
 نویسنده و منتقد : نادره بدیعی
 ناشر : آرنا
 نوبت چاپ : اول ۱۳۹۲
 طراح جلد : مرتضی هانی
 چاپ و صحافی : شاپرک
 شمارگان : ۱۰۰۰ نسخه
 قیمت : ۱۲۰۰۰ تومان

فهرست

- ۱ دیپاچه
- ۶ ۱ - در شعر زیستن، با شعر مانندن
(نقد کتاب گلچین اشعار استاد لایق شاعر تاجیکستان)
- ۲۱ ۲ - ناخوانده نقش مقصود از کارگاه هستی
(نقد و معرفی کتاب "تاجیکستان، بهای آزادی" دکتر شادمان یوسف)
- ۳۰ ۳ - نگهداشت زبان فارسی با استوره زرتشت
(نقد کتاب، "استوره زندگی زرتشت" نوشته دکتر ژاله آموزگار، دکتر احمد تفضلی)
- ۵۰ ۴ - کتابهایی که همیشه ما را دگرگون کردند
(بررسی و بازکاوی کتاب "کتابهایی که دنیا را تغییر دادند" نوشته رابرت بینگهام داونز، برگردان گروه مترجمان، ویراستار دکتر سیروس پرهام)
- ۷۹ ۵ - عاطفه‌ای شرقی در این نزدیکی
(بررسی و بازکاوی کتاب "نزدیکی" نوشته حنیف قریشی، برگردان نیکی کریمی)
- ۸۹ ۶ - نقد این نی‌نامه جامی بخوان!
(نقد کتاب "نی‌نامه جامی" به تصحیح دکتر مظفر بختیار)
- ۱۱۹ ۷ - آنکه عشق تو ندانست چه می‌داند شعر!
(نگرشی بر "دفتر شعر عسگر حکیم" شاعر تاجیکستان)
- ۱۲۵ ۸ - تاریخ سرایی از گونه‌ای دیگر
(واکاوی و بررسی کتاب "دانشنامه منظوم ایران" سروده پرفسور حسن امین)
- ۱۶۵ ۹ - تمدنهای کهن ایران و دولتهای فراگیر ملی
(نقد کتاب "جهان نمای تاریخ ایران"، نوشته دکتر هوشنگ طالع)
- ۱۷۴ ۱۰ - همه زنان با زبان فارسی
(نقد کتاب "فرهنگ نامه زنان پارسی‌گو" نوشته نجف‌علی مهاجر)

هنر نقدنویسی و سنجش نوشتارهای دیگران، در ایران زمین فرهنگی و فرهنگ آفرین. سخن تازه‌ای نیست چرا که از دیرباز در میان پژوهشگران و اهل قلم در ایران، نگاشتن "تحشیه" و "تکمله" بر دفترهای دیگران، خود نه تنها نقد و سنجش که به کمال رساندن کار شخصی دیگر بود و این سنت بسیار دیرپا هم چنان بود تا دانش آموختگان ایرانی که به باختر زمین رفته بودند به سرزمین مادری، به ایران گرامی بازگشتند و نقدنویسی به شیوه باختریان را در ایران شناسانده و رواج دادند و درباره نقد و سنجش، نوشتارهای فراوان منتشر کرده یا به انتشار و برگردان کتابهایی که جستار آنها نقد و بررسی کتاب و شیوه‌های نگارش نقد بود دست یازیدند و از این راه اهل قلم، فرهنگ و دانش را با شیوه‌های نوین نقدنویسی آشنا نمودند. حتی "سخن سنجی" و سنجش اثرهای دیگران، بخشی از کتابهای درسی با واحدهای آموزشی دانشگاه‌ها و رشته‌های علوم انسانی گردید. هنوز دانشگاهیان و اهل قلم در ایران، درسهای سخن سنجی شخصیتی فرهنگی و ادبی هم‌چون دکتر لطف علی صورتگر را فراموش ننموده‌اند. که یادش به خیر باد.*

اما در آغاز آشنایی اهل قلم ایران با نقد و بررسی کتابها به شیوه

* - پدر من جاویدان یاد، میرزا نصراله خان بدیع از فرهیختگان و اهل ادب شیراز بودند و با بسیاری از شاعران و ادیبان و اهل فرهنگ شیراز آشنایی نزدیک و رفت و آمد خانوادگی داشتند که از آن جمله بود زنده یاد دکتر لطف‌علی صورتگر که همچنان مهر پدر و یاد دوستان پدرم را در دل زنده می‌دارم که امید روانشان با جهان مینو پیوند یابد.

باختریان با افسوس بدفهمی‌هایی هم رخ داد که برخی بدون این که اصول نقد را بیاموزند با برداشتی سطحی یا دریافتی ساده انگارانه "نقد" را به هتاک و کوبیدن این و آن یا تصفیه حساب با رقیبان، اشتباه گرفتند و فراموش نکرده‌ایم که چه ناسزاها و نارواها که بر برگهای مطبوعات ایران به نام "نقد" نشست و گاه هم این گونه‌کسان، به جای نقد بر کارهای دیگران، به مطرح کردن خود می‌پرداختند، اما خوش بختانه با گذشت زمان و با یاری آگاهان، "نقدنویسی" و درست‌اندیشی در نقد، و سنجش در ایران پای گرفت و دانستیم و دریافتیم که نقد به راستی جدا کردن سیره از ناسره است. نه ویرانگری کارهای دیگران یا کوبیدن شخصیت این و آن و بسیار منتقدانی که به میدان نقد و بررسی پای نهادند که آگاهانه و با بی‌طرفی، کارهای دیگران را به سنجش و واکاوی نشستند که نه تنها در کار کتاب که در کار سینما، تئاتر، شعر، ادبیات، موسیقی و ... و در سالهای اخیر حتی نقد و بررسی و ویرانگری فشرده موسیقی، این گونه نقدها را دیده و خوانده‌ایم و حتی خوشبختانه، نشریات تخصصی نقد در ایران منتشر شد و می‌شود.

در این جا نمی‌خواهم به جستار چگونگی نقد در ایران یا بررسی شیوه‌های گوناگون نقد نویسی بپردازم که آگاهان و دست‌اندرکاران بسیار چنین کرده‌اند اما بایا می‌دانم که بنگارم من خود، شیوه نقدنویسی تحلیلی را بر دیگر شیوه‌ها خوشتر می‌دارم چرا که در نقد تحلیلی و واکاوی اثرهای دیگران

منتقد نه تنها کاستی‌ها یا برتریهای یک کتاب یا نوشتار را تحلیل و واکاوی می‌کند و درباره‌اش به داوری می‌نشیند بل، که می‌تواند خلاقیت و آفرینشگری، نیرو و توان تحلیل خود و میزان احاطه‌اش برجستاری که به نقد آن دست یازیده است را نشان دهد و این چنین نقدنویسی را من برتر و بهتر می‌دارم هرچند که شیوه‌های بسیاری در کار نقد و سنجش هست و شاید آگاهان و دست‌اندرکاران، شیوه‌های دیگری از سنجش و واکاوی کار دیگران را بهتر بدانند که اندیشه و رای آنان را هم گرامی می‌دارم.

به هر روی آن چه را که در این دفتر می‌خوانید گردآمده‌ای از ده نقد تحلیلی و واکاوانه‌ای است که بر ده دفتر از شاعران، نویسندگان، پژوهشگران و یک مورد هم تصحیح یک دیوان و بررسی یک رمان در یک درازنای زمانی بیست ساله نگاشته‌ام، که به ترتیب زمان نگارش در این کتاب آمده‌اند. علت گزینش این ده کتاب برای بررسی آن بود که می‌اندیشیدم هم این کتابها سخنی برای گفتن یا نداشته‌اند و من هم درباره‌ی جستارهای این کتابها سخنی برای گفتن - شاید هم نگفتن؟! - داشته‌ام و بی‌آن که بخواهم ادعای منتقد بودن داشته باشم بر آن شدم تا این ده نقد را در یک جا گرد آورم و خود، این مجموعه را به نقد و بررسی و واکاوی منتقدان گرامی یا خوانندگان آثارم بگذارم.

در این جا بایسته می‌دانم دربارهٔ چند کتاب که نقد و بررسی یا واکاوی آنها را در این دفتر می‌خوانید نکته‌هایی را بنگارم تا خوانندگان آگاه باشند. مورد نخست را که به آن اشاره می‌کنم، "گلچین اشعار استاد لایق" شاعر بزرگ تاجیکستان است که درست به یاد دارم ساعت ۹ شب آغاز به خواندن گلچین سروده‌هایش کردم و با خود گفتم چند سروده را می‌خوانم و دنبالهٔ آن را به فردا روز می‌افکنم ... سر بلند کردم سپیده زده بود و آن چنان سروده‌های لایق، این لایق شعر مرا به خود خواند که تا سپیده دم کتاب را به بر زمین ننهادم تا به پایان رسید و پس از آن که بر کتابش نقد نوشتم و آن را به تاجیکستان گرامی فرستادم، در نشریهٔ ادبیات و صنعت (هنر) تاجیکستان به چاپ آمد و آن زمان که استاد لایق برای شرکت در همایش "زبان فارسی، زبان علم" که در مرکز نشر دانشگاهی برگزار شد به ایران آمد برایم یادداشتی فرستاد و سپاس گفت که آن را در پایان همین کتاب خواهید دید.

کتاب دوم دانشنامه منظوم ایران (با اقتباس از شاهنامه) سرودهٔ پرفسور حسن امین است که ایشان خود، کتابشان را به من پیشکش کردند و از من خواستند که بر کتابشان نقدی بنگارم و من چنین کردم و ایشان با بزرگواری نقد مرا که در چند جا هم از ایشان انتقاد کرده بودم بر برگهای وزین ماهنامهٔ حافظ نشانند، دستخط ایشان را نیز در پایان کتاب خواهید دید مورد دیگر رمان "نزدیکی" نوشتهٔ حنیف قریشی، انگلیسی پاکستانی تبار است که آن را

سرکار خانم نیکي کریمی هنرمند ارزنده و کارگردان گرامی سینمای ایران، به فارسی برگردانده‌اند و در پیش‌گفتار کتاب نگاشته‌اند که این کتاب را ترجمه کرده‌اند تا دیگران را در لذتی که از خواندن این کتاب برده‌اند سهیم سازند و من با آن که چندان وقت برای خواندن رمان ندارم و بیشتر زمینه مطالعاتی‌ام کتابهای پژوهشی و فرهنگی هستند، به راستی در لذتی را که خانم نیکي کریمی به آن اشاره کرده بودند چنان سهیم شدم که این احساس مرا بر آن داشت تا به تحلیل و بررسی کتاب "نزدیکی" بپردازم.

این نکته را هم بنگارم که بیشترین این نقدها در ایران و تاجیکستان، به چاپ آمده‌اند و تنها یکی دو مورد است که نقدها برای اولین بار و در این مجموعه منتشر می‌شود و امیدوارم این گرد آمده، خوانندگان کتاب را خوش آید و بر دل ایشان بنشیند و اگر توانسته باشم در راه آگاهی بیشتر خوانندگان بینا دل کتاب، شمعی افروخته باشم بی‌گمان به یک خرسندی درونی خواهم رسید.

نادره بدیعی

شمیران، تیرماه ۱۳۹۲

نام کتاب : گلچینی از اشعار استاد لایق شیر علی

نویسنده : لایق شیر علی

نوبت چاپ : اول ۱۳۷۲

ناشر : انتشارات بین المللی الهدی

در شعر زیستن، با شعر ماندن

خواندم، شعرها را، شور ها را خیالها را و زبان پرستی ها را و.. اندیشه ها را

با سری پر شور و چشمی نگران، دلی سرسان و روانی که کنج ها را می کاود.

خواندم تا از درون شعر که آینه روح تاجیکان است، روان خود را با تازگیها و

لطاقتها و نرمی تاجیک وار آنان پیوند زنم، خواندم یک شبه و با نرمشی تاجیک سان

که به فرموده پیر بلخ :

یک حمله و یک حمله کامد شب و تاریکی چستی کن و ترکی کن، نی نرمی و تاجیکی

خواندم با نرمشی تاجیک سان، می خواستم از چهره ای که در این آینه

هویدا است، خاک سرزمین تاریخ نشان و تاریخ ساز تاجیکستان را ببویم و بوی

یاران مهربان را بشنوم. می خواستم میان رهی دیگر به درون فرهنگ کهن و زبان

پارسی بزنم، خواندم با نرمشی تاجیک سان و یک شبه، شبی که از درون آن سپیده

سر زد و مرا با خود به روشنای سپیده شعر، به دشت ناپیدا کرانه سغد برد. گویی

جهش های آهوی کوهی را در آن دشت جاودانه، بر رگهای اندیشه ام حس می

کردم. گویی سخن رودکی بزرگ را در سپیده دمان آغازین شعر پس از اسلام می

شنیدم و سر انجام چهره ای لایق را از درون شعر های استاد لایق می دیدم که

میراث دار سرزمین فرهنگ خیز بو حفص و رودکی است و چه خوش، زبان فارسی